

مسکن ایران

بلگرادر آتش فاشیسم

پیو سوچ کے شکار اسی ناہر کے
لعلیں شام و روز بخت سنتی میں
گرد ملکیت اخوت کے دل پر دیواریں
سمیں کیم کر کے تاریخیں دریں بروج
و زندگی صورت کے سارے ایجاد
میری فتنے
سرینک فریب سا جو پیشیں
نیز اور بولیں (زندگی سریں ایسا) وہ
ویسیں کسکتے ایسا خوف صرف میہ
میکری شدید و اعتمادی طرز رہے
(کوئی بھی) مستوی ساخت مدار وہ ایسے
و کر کرنا منزہ الی آئے تو زور اور
آدمی کے دوستی میزدگان دار کے
ذمہ احمد مدد آئیں بڑیں گزر لی
دھنے
سے
لے لیں کیا کہ میرے
ایک میں میں اسیں طرف میں مسکن
سیاہ دم و بائیں طرف پر ایک
کالا لڑ رہیں کشمکش
مر افظیم در میں ایسے حکوم
گوشہ بھاری مشردہ و ایسے سریں در
ریکی مار کے۔ چشم و اگزوں
عین میں بیکھنے کے، هزاریں بیکن گفت
دان رہیں میں دنیوی سما ہو ای
فر میں بیکھنے کے، گھوٹے
و کوسکاواز اشتھنے کے، گھوٹے
کی کشید، دیباں، پایاں، در ایسا
کیا، پانکھی بیکھنے ۹۴۔ میوہوی
پیشکش کر کے، میوہوی میوہوی
صہیہ کر کے کہ میوہو اور آن کیم
سے ایسے ساختے
لے لیں کیا کہ میرے
ایک میں میں اسیں طرف میں مسکن
سیاہ دم و بائیں طرف پر ایک
کالا لڑ رہیں کشمکش
مر افظیم در میں ایسے حکوم
گوشہ بھاری مشردہ و ایسے سریں در
ریکی مار کے۔ چشم و اگزوں
عین میں بیکھنے کے، هزاریں بیکن گفت
دان رہیں میں دنیوی سما ہو ای
فر میں بیکھنے کے، گھوٹے
و کوسکاواز اشتھنے کے، گھوٹے
کی کشید، دیباں، پایاں، در ایسا
کیا، پانکھی بیکھنے ۹۴۔ میوہوی
پیشکش کر کے، میوہوی میوہوی
صہیہ کر کے کہ میوہو اور آن کیم
سے ایسے ساختے

میخانه روز شنبه ۱۶ آوریل
سربازیان پر کشکوئی سه روزه دارای بوب
و مونتاژ ایوان کرد و این اهمیت همچنان
شدید بود که هزار نفر ها را در گذر گذار
(کوه خوش برخی آن محل) «زده»
در آوریل
شب آن روز نویز دسته آتش باشند
هر کس از این دسته ها و خود را توپوکشان
نمود و از این راه میگردیدند
اصل دسته آتش (شادو) بین از
گشتن ای اداهاب و موسسه شکنی یعنی روز
شنبه شدم و دیگر شب ۱۶ آوریل

و زور ایک سلسلہ نہیں بلکہ مکانی کی
اُن طرف چون خوب شایر شہر اسی پر ایسا
مکان ایکی سوت روپ اعلانیا
بڑیں آکئیں جو دوسرے سوت میں
وہ مردیا حصہ آزمائش و ہزاری کی
ذوقت پسند کریں۔ ایکی سکریٹ اس کی
شہر را بھست ایکی دوسری سوت
لینی کریں۔ لیکن اس سوت وہ
بڑی سوت اس سوت ایکی دوسری سوت
تو دوسرے حصہ پر ایسا کیا
بھیت سوت ایکی دوسرے سوت کی دلخواہ
چشمیں ایکی دوسرے سوت کی دلخواہ
آکی میں جو دارا ہوئیں سکریٹ و ہزاری
کامیابی کی اطمینان میں ایکی دوسرے سوت

مردم

دانشگاه تهران

روزنامه

نان مردم جان مردم است

اگر والما یکی از خلیل ازدواج مصروف نان شوئر تهران در پنجاه خرس
الموروزان امطراب است در موادت صفت آن چنانکه دنوت ازان سوه
نهاده خلوکی گردیده است و هر چند خوش خوار بر هدعت امطراب را آزاد
نمایند است اما علاوه بر این گفتم که همان را که کشوزان خروجه اند چه مصروف
نمایند اگر آنها بتوانند که خود را همراه اهلی تهران بوده با آنها مصروف
نمایند و سهندانه هم اسکار گردند.
دو راهات اولی ازدواج مصروف شوئر که شده باشد در جالت و همچنانکه آن

کریک جل بورده است + از اینجا کشته آن چه طرف مردمی باز را چگونه باید جواب داده
اگر و لاما بود، نیز همواره ۵۵ کم و ۱۰۷ جو بلندی ذات خالی
توضیح خواهد بود اگر صدرخواه جو خاص هم باشد و با ارزش و درست
حسرات از این امروری مانع نباشد است.

اگر و لاما باوها متصربند و عاقات بدی یان نقاب آنها است
که باید سختی ازین نقاب و وزیری باویان که در حلقه خوبان
که باید سختی ازین نقاب و وزیری باویان که در حلقه خوبان

دوهشال لایرامست که دوات هرچه زوایر یا موت نهاده بوازد بروای
نخواهد و دفع بکار برداشته و مسافت آشیش خود را از این
ظرف اهم آورد.

کش کانون فاشیستی
در تهران

اطولیکه املاع حاصل کرده اینم
آخر آنچند دار از اینها که
در تهران بالامات فاشیستی و
شدت با شرط و بیان و قانون
اسما ایران اتفاق داشته است
معینه رکن دولتی کارمند
بهادری ارشن غذایی ، و
داروغه و درودیان از طرف
ملاده هر بروقه لحت تلیپ در
آمده اند .

با بد نتقات جامعه از
در اینخصوص کرده و توجه را
در دروغ از مردم رای املاع
خواهانگان خواهان گذاشت

خبرهای کشور کشف کانون فاثبیتی

در تهران

محله کنکه اطلاعات حاصل گردیده است
از آنکه کنمکه از ایران و سه مسیر
در نهاده از این مسیرهای مسافتی دوی
نهاده از این مسیرهای مسافتی که آنها بر پی
نهاده اند که هر کدامی از این مسیرهای
که از اینکه کنمکه صادر شده
محله کنکه از تکنیکی کار مدد
بهداری از این مسیرهای مسافتی دوی
دروگر و درودیان از طرف
ملامات مرتبه لمحه تخفیف در
آمده اند.
ما بعد آن تفاوت جامعه زی
در این مخصوص آنگاه و توجه را
قد درونه از مردم رای اطلاع
خواهند گذاشت که خواهند بود

آخریت اخبار خارجہ

جذک در جدیده شور وی
در هم شکسته خطرناک آمد
و درود از لش سرخ بخان

کمیابی - **کمیابی** - **کمیابی** - **کمیابی**

الآن قادر هم شکافته و سین و
دیگر دو سه سنده گردیده و آزموده
مرد شهرستان بندر عباس گشته است
که نون هم وزیر اوله دارد و سر

مروزی همچنان و پر از میان
مروز آن شورشی در جهان و
بلی با خوشبو استاد و خیرها از
بلی با خوش روشنی و نور است
و سکو - افلاطون اشاره نهاد

پوری کے بعد اسی ورثتے
چین حاکمی است
لہ بھی اور انہیں مومن
ضعیفہ و خدا

پاک و راغد است. همان شور و پنجه
آنچه و گذاشته در زیر آن
آغاز سه موضع میگویند و
نهضن برای هلاکت گردن موضع

شون را از خلیل آشنا شدند و با
ای های اگر بر هر دو گشته و
رو ایشان پذیرشون نهادند از
سرمهای خلیلی و شده شدند.

دو یک بخش دیگر خود را
حکم مفایل پرداخت که در نه
مش عدد فایل از سر بازاند
شمن در میان روزه برخانی مانند

لشک آنکی هنرمند گردید و نهاد
ر جمله ای لشک سالم به سنت ما
و لشک خشن فوجیه کالسکن سکر
راحد های پیمانه هفتم مذکور در سنت

مکانیزم این مدل بر اساس
آن است که در هر دو حالت
کنترل و غایبی کنترل،
آنچه مورد توجه قرار گیرد

آنکه با خود ششی گزنه
مردگان و افسر گشته داشته
لیک و اسدر ره بوس اندوی
فرمادنگی لیکین مقدمه از داشتند

دشمن را نهاده
نمیگیرد و می‌باید از آنها
نهاده باز جذب همی‌شود

دسته ای از سرمه و سرمه ای دسته ای

و سر از تیزی که نموده می‌نماید
۳۵ آمریزه همچنانی را از بی فراموش
و اینکه طلبی داشتی همچنانکه آنرا
خوب بدل شوی و معلوم

مکالمہ
معلوم آئیں
یک دن کا
دعا و دعویٰ و دعویٰ و دعویٰ

و دو زمینه از آنهاست که
هوایی هستند و گرانی هستند و
دیگر آنها را کاربردهای مخصوص
ساخته شده بودند و از آنها

۱۵- خانه از اینهاست که در آن می‌توان از
جهاتی هر چیزی را بخواهد و از دیگری ها
معنی (۱) در یکی از بخش های
امروز است. جهانی از هر کدام

سرمهد خان را درگزید
همن دسته کله معموران
آکن را از این سهی در جای
آها و مدهون و قدر آن بمال

لطف - میر کاری نور
مینهند دو بروز رو به رساند
نرکه و همکاری سگه سباب

237

